



جالب توجه است که اگر در «فهرست آلمانی» بعد از سه خاصیت اول، وقت‌شناسی (۶۷/۴ درصد) و قانون پرستی (۶۷/۱ درصد) ذکر می‌شوند، در فهرست روسی به «بی‌نظمی» (۵۹/۹ درصد) و لابی‌گری (۵۰/۱ درصد) اشاره می‌شود. همان‌طور که می‌بینیم، روسها از خود انتقاد می‌کنند.

ضمن جمع‌بندی نتایج این نظرسنجی، می‌توان گفت که بخش عمده روسها برای توسعه مناسبات روسیه با کشورهای غربی اولویت قایل هستند. ارزشمندترین تجربه خارجی برای ایجاد اقتصاد بازاری و دولت دموکراتیک مبتنی بر موازین حقوقی در روسیه، تجربه جمهوری فدراتیو آلمان، ژاپن و ایالات متحده محسوب می‌شود.

روسها عمدتاً سطح موجود مناسبات بین روسیه و آلمان را مثبت ارزیابی کرده و نسبت به آتیۀ این مناسبات خوشبین هستند. تضادهای و مسائل موجود در این مناسبات به‌عنوان مسائل حل‌نشده تلقی نمی‌شوند. برخورد روسها با آلمان به‌عنوان یک کشور از برخورد روسها با آلمانی‌ها بهتر است (البته، این برخورد از برخورد آلمانی‌ها با روسها نیز بهتر می‌باشد).

نمایندگان گروههای سنی جوان‌تر (زیر ۴۰ سال) و تحصیلکرده‌تر و نیز ساکنان شهرهای بزرگ، کارشناسان و روشنفکران بیشتر به آلمان و آلمانی‌ها علاقه دارند. در افکار عمومی روسها عواملی کشف نشده‌اند که ممکن است باعث تیرگی روابط بین روسها و آلمانی‌ها شوند. به احتمال قوی، به مرور زمان نقش عوامل منفی تاریخی (جنگ) بازم بیشتر تضعیف خواهد شد و زمینه مثبت اجتماعی - روانی برای تعمیق و توسعه تماسهای متقابل فراهم خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فقر و اغنیا در روسیه

اعجاب آور است! بحران اقتصادی و بهبودی وضع زندگی؟ مسکو را به حق می‌توان شهر میلیونرها نامید. حد متوسط درآمد سرانه هر ساکن پایتخت بیش از دوونیم میلیون روبل و حد متوسط دستمزد ماهانه یک فرد در مسکو یک میلیون و دویست هزار روبل است. آری، حد متوسط درآمد سرانه تمام ساکنان کشور در ماه سپتامبر بنابه ارزیابی رسمی ۸۱۰ هزار روبل بود. اگر این امر را به حساب آوریم که حداقل زندگی در همین ماه در سطح ۳۷۰ هزار قرار داشت، این‌طور به نظر می‌رسد که مشکل بتوان تصویر بهتری برای بحران اقتصادی موجود ترسیم کرد.

اما حیلہ‌گری این اعداد در همین امر نهفته است. آنها باعث می‌شوند که درباره



روندهای بزرگ ابعاد اقتصادی و اجتماعی قضاوت شود و به این ترتیب تعداد بسیار زیادی از مسائل مشخص و نقاط دردناک از نظر پنهان می‌مانند. در همان مسکو «شهر اغنیا» بیش از یک و نیم میلیون نفر در مرز زیر فقر بسر می‌برند. اینها افرادی هستند که حد متوسط درآمد سرانه‌شان پایین‌تر از حداقل آن (۴۶۲ هزار روبل در ماه اوت) است که بنابه روشهای خاص وزارت کار حساب شده است و در سراسر کشور، از هر پنج نفر شهروند روسیه یک نفر در این سطح تحقیرآمیز بسر می‌برد. باید متذکر شد که بنابه اطلاعات کمیته دولتی وضع زندگی دهها میلیون نفر از شهروندان ما بی‌نهایت اسفبار است. آنها صاف و ساده در حالت گرسنگی دائمی بسر می‌برند و از امکان دسترسی به حداقل مواد غذایی برای ادامه زندگی محروم هستند.

با این وجود، آمار ماهانه، نشانگر تصویر کلی روندهای اجتماعی در کشور نیستند. مهم آن است که فقط به تصویر امروز توجه نشود، بلکه باید روند کلی طی ماههای زیادی را مدنظر قرار داد. شرایط چگونه تغییر می‌کنند، بهتر و یا بدتر می‌شوند، کدام یک از گرایشها نیرو می‌گیرند - گرایشهای منفی و یا مثبت؟ آماري که در مورد بودجه خانواده در دست است نشانگر آن است که: تعداد فقرا در روسیه در سال جاری ماه به ماه کاهش یافته است - از ۳۷/۳ میلیون در ماه ژانویه تا ۲۹/۵ میلیون در ماه اوت. تعدادی از تحلیلگران در نتیجه‌گیری شتاب می‌ورزند و می‌گویند: کارها دیگر کم‌کم دارند روبه‌راه می‌شوند، و بزودی سطح زندگی مردم سیر صعودی خواهد پیمود... آیا واقعیت چنین است؟ تا چه اندازه این اعتقادات خوش‌بینانه درست هستند؟

قبل از هر چیز یک سؤال ساده مطرح می‌شود: سطح زندگی چگونه می‌تواند بالا رود، اگر در سال جاری بازم به میزان ۶ درصد میزان تولید محصولات غذایی کاهش داشته است، و درست به همین مقدار تولیدات صنعتی کاهش یافته است و مانند گذشته تعداد زیادی از کارخانه‌ها تعطیل هستند؟

بحران تقریباً تمام عرصه‌های تولیدی را دربر گرفته است، حتی بودجه از این وضع در امان نمانده است، بدهی‌های دولت در رابطه با پرداخت دستمزدها، حالا دیگر سر به ۴۰ تریلیون روبل می‌زند. یوگنی یاسین، وزیر اقتصاد معتقد است، امروزه کشور دشوارترین دوره خود - فاز بحران اقتصادی را بعد از سالهای شروع اصلاحات می‌گذراند.

از کجا و به چه حسابی می‌توان در چنین شرایطی فقر در روسیه را بهبود بخشید؟ در واقع امر، کشور هرچه کمتر تولید می‌کند، هرچه کمتر کار می‌کند، تا خرخره در قرض فرو می‌رود، دستمزدها را نمی‌پردازد، حتی حقوق بازنشستگی پرداخت نمی‌شوند، اغلب کارخانه‌ها در مرز ورشکستگی قرار دارد، و این‌طور که می‌گویند زندگی ۷ میلیون فقیر، پیدا است در عرض ۸ ماه به‌طور مشخصی بهتر شده است! آیا این اعجاب‌آور نیست؟



وقتی به تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی - سیاسی می‌پردازیم، سؤالات هرچه بیشتر می‌شوند. از موج اعتصابات در سال جاری کاسته نمی‌شود. اگر طی ۸ ماه سال ۱۹۹۵ این اعتصابات در ۸۸۰ کارخانه و سازمان صورت گرفتند، در سال ۱۹۹۶ تعداد آنها ۳۳۰۰ بود. همه می‌دانند که وقتی وضع زندگی خوب می‌شود و جنبشهای اعتراضی ساکت می‌شوند. یک حقیقت دیگر: فروش مواد غذایی و محصولات صنعتی در طی ۸ ماه افزایشی نشان نداده است و در مقایسه با سال گذشته کاهش یافته است. واقعاً هم اگر به شهروندان نگاه کنیم، می‌بینیم که آنها لاغرتر شده‌اند: تحقیقات نشان داده‌اند که وزن آنها در عرض سه سال کمتر شده است، به طور متوسط ۲۰۰ گرم و بالاخره، آنچه بیشتر باعث نگرانی می‌شود: در شش ماه اول، ۳۰۰ هزار نفر قبل از رسیدن به سن بازنشستگی در سن مستعد به کار در گذشتند (این ۳۰ درصد تعداد کل متوفیان است).

در مناطق بسیاری در روسیه طول عمر مردان در شرایط فعلی ۵۷-۵۵ سال است. علت آن، بدی تغذیه، وضعیت بی‌ثبات زندگی و بدی کار عرصه پزشکی است. بیماری سل - بیماری فقرا، هرچه بیشتر شیوع می‌یابد.

وضعیت داخل کشور چنین است: رکود اقتصادی ادامه دارد، پول به شکل فاجعه‌باری کفایت نمی‌کند، جو اجتماعی هرچه خطرناک‌تر می‌شود. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد این سخنان که وضع فقرا ماه به ماه بهتر می‌شود، چندان متقاعدکننده نمی‌باشند.

سال به سال، ماه به ماه، کارمندان خدمات آمار در تمام نقاط کشور، بودجه دهها هزار خانواده را مورد تحقیق کامل قرار می‌دهند. وضعیت معاش لایه‌های گوناگون مردم مدنظر قرار می‌گیرد. جمع‌بندی این تحقیقات نشان‌دهنده سطح زندگی تمام ساکنان به طور کلی - فقرا، آنهایی که از سطح متوسط زندگی برخوردارند و همشهریان کم‌و بیش ثروتمند (به‌غیر از آن تعداد افراد بسیار ثروتمند که هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره خود نمی‌دهند) مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در بودجه خانواده هر روبل که به دست می‌آید و خرج می‌شود حساب می‌شود. یکی از اعضای خانواده، روزانه تمام خرجها را در دفترچه‌ای یادداشت می‌کند. علاوه بر آن، آمارگران، گفتگو و مصاحبه با اعضای خانواده‌ها را ترتیب می‌دهند.

تعداد افرادی که درآمدشان پایین‌تر از سطح حداقل است، به مقدار ۲۲ درصد، افزایش داشته است.

اما مقامات دولتی خبر از کاهش شمار خانواده‌های فقیر می‌دهند. کاهش سطح فقر در شرایط عمیق شدن بحران؟ در صورت توجه خواهیم دید که حدس آن چندان هم دشوار نیست. موضوع از این قرار است که اقتصاد تا حد زیاد در «سایه» قرار می‌گیرد - از مالیاتها، از



حسابهای رسمی، از معاملات «باز» با سفارش دهندگان و توزیع کنندگان. بستابه ارزیابی متخصصان، بخش سایه‌ای شامل ۲۰ تا ۴۰ درصد اقتصاد «باز» است. تعداد زیادی از شهروندان در این بخش مشغول کار هستند. آنها کار می‌کنند و محصولات «سایه‌ای» تولید می‌کنند و دستمزد «سایه‌ای» دریافت می‌کنند که به‌طور مشخص بودجه خانواده را بهبود می‌بخشد. همانا این جریان به میلیونها شهروند روس کمک کرد خود را از سطح فقر بالا بکشند. این پدیده بدین ترتیب توضیح داده می‌شود. عامل دیگری که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، میزان بسیار بالای مرگ‌ومیر در بین فقرا است. برای نمونه، در ناحیه پسکوف، که در سال گذشته، تقریباً نیمی از ساکنان آنجا (۴۲/۷ درصد) دارای حداقل دستمزد بودند، میزان مرگ‌ومیر در بین ساکنان مستعد به کار یکی از بالاترین آمارها در کشور را داشت. جمهوری توفا در این زمینه جای اول را دارا بود که واقعاً غم‌انگیز است. در اینجا سه چهارم ساکنان در زیر سطح فقر قرار دارند، و میزان مرگ‌ومیر در بین افراد مستعد به کار از دیگر جاها بالاتر است. به دیگر سخن، فقرا زودتر و بیشتر می‌میرند و این نیز خود عامل دیگری در پایین آوردن تعداد فقرا در کشور است. برای اینکه واقع‌بین باشیم، باید به این جنبه نیز توجه کنیم که هرچه بیشتر بر تعداد آن لایه ساکنان که نمی‌توان آنها را محتاج دانست افزوده می‌شود. همزمان، بیش از ۶ میلیون نفر از ساکنان از درآمد متوسط برخوردار بودند. این یک گرایش خوب است، هرچند آهسته‌تر از آهنگ دلخواه پیش می‌رود.

پنج سال تغییرات

حالا وضعیت را به شکل دیگر و از جنبه دیگری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. بدین ترتیب که نه ۳۰ میلیون نفر روس در سطح زیر فقر زندگی می‌کنند، بلکه این تعداد بیش از آن است. سخن از آن می‌رود که این حد تعیین شده تا چه اندازه با زندگی واقعی افراد همخوان است.

این سند که در واقع آن مواد غذایی را که باید در فهرست غذایی روزانه شامل شود معین می‌کند، به وسیله سرگی شپیلکو، معاون سابق وزیر کار ۱۰ نوامبر سال ۱۹۹۲ به امضا رسید. هنگام بحث و تصویب این سند، و اگر صحیح‌تر بگوییم، این روش، بویژه این موضوع مورد تأکید قرار گرفت که این روش برای آن دوره زمانی که کشور در شرایط بسیار دشوار و سختی بسر می‌برد در نظر گرفته شده است. در آن زمان معتقد بودند که این دوره دشوار یک یا حداکثر یک سال و نیم ادامه خواهد یافت. فرض می‌شد که در این مدت، شهروندان، مجبور می‌شوند از خیر خرید پوشاک و کفش و لوازم خانه و دیگر اجناس صرف‌نظر کنند و با آنچه

دراختیار دارند برای مدتی بسازند و بعد از این دوره، در سال ۱۹۹۳، حداقل زندگی به حساب افزایش سهم درآمد محصولات و خدمات صنعتی بیشتر خواهد شد.

افسوس! این روش «موقت» هنوز هم فعال است. به این دلیل هنوز حتی به حداقل زندگی دست یافته نشده است، زیرا حتی حداقل امکان زیستی برای مردم مهیا نشده است. این امر را می‌توان در هر شهر و ناحیه‌ای مشاهده نمود. برای نمونه مسکو را در نظر می‌گیریم. در ماه اوت، حداقل زندگی براساس روش کاربردی وزارت کار، ۴۶۲ هزار روبل برای پایتخت بود. از این مقدار ۲۹۷ هزار روبل و یا کمتر از ۱۰ هزار روبل روزانه برای تهیه مواد غذایی در نظر گرفته شده بود. آنچه که به حساب روزانه برای یک نفر وارد «این سبد» می‌شود به‌قرار ذیل است:

محصولات نانی - ۳۴۱ گرم

سیب‌زمینی - ۳۴۰ گرم

سبزیجات - ۲۷۹ گرم

میوه‌جات - ۵۵ گرم

شکر و شیرینی جات - ۵۵ گرم

گوشت و محصولات گوشتی - ۷۱/۵ گرم

ماهی - ۳۲ گرم

لبنیات - ۵۷۱ گرم

تخم‌مرغ - ۰/۴ در روز

روغن گیاهی و حیوانی - ۲۷ گرم

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم با این حساب نمی‌توان گفت از گرسنگی می‌میریم. نصف نان، یک لیوان شیر، کمی توارگ، نصف تخم‌مرغ، چند تکه کالباس و نصف سیب، و کمی کلم و سیب‌زمینی ... برای تمام روز. به‌رحال با چنین رژیم، هیچ‌وقت اضافه وزن نخواهیم داشت. اما من از نقطه‌نظر دیگری این اعداد را ذکر کردم: نه‌اینکه از این فهرست غذایی انتقاد کنم، بلکه برای اینکه نشان بدهم بعد از تهیه مواد این فهرست دیگر هیچ پولی برای پس‌انداز باقی نمی‌ماند. خدا کند که همین ۱۰ هزار روبل برای گذران زندگی روزانه - صبحانه و نهار و شام در مسکو کافی باشد.

به این ترتیب برای خرج‌های دیگر ۱۶۵ هزار روبل باقی می‌ماند، آیا این مقدار کافی است؟ بیایید حساب کنیم: اگر شما مجبورید با مترو و اتوبوس به سرکار خود برسید و به خانه برگردید، برای تأمین خرج ایاب‌ذهاب باید فوراً ۱۳۲ هزار روبل را کنار بگذارید (بلیط ماهانه و سایل نقلیه در پایتخت ۱۸۰ هزار روبل است).

حالا به این خرج، هزینه برق و گاز و تلفن را هم اضافه کنید، خواهید دید که برای کرایه‌خانه دیگر پولی باقی نمی‌ماند. حالا دیگر از وسایل ضروری دیگر - خمیر و صابون و وسایل بهداشتی صحبت نمی‌کنیم.

پوشاک چه می‌شود؟ حتی اگر چندین سال را بر طبق روش «حداقل زندگی» سپری کنیم، قادر نخواهیم بود پول برای خرید پالتو و چکمه تابستانی و پیراهن و لباس زیر و جوراب و دیگر پوشاک جمع کنیم.... آخر طی پنج سال تمام این وسایل خانواده‌های فقیر دیگر پاره‌پوره شده‌اند و قابل استفاده نیستند. به این ترتیب می‌توان مشاهده کرد که سطح رسمی فقر در کشور دارای یک حالت افسانه‌ای است و از واقعیت دور است. اگر شخصی که نتواند برای خود جوراب و یا دستمالی بخرد فقیر به حساب نمی‌آید، پس دیگر باید قهرمان کتاب داستان به حساب آید. تصادفی نیست که در مسکو، دیگر نه از روش کاربردی وزارت کار، بلکه بر اساس حسابهای واقعی تری حداقل زندگی را تعیین می‌کنند که بر طبق آن مرز فقر در شهر نه ۴۶۲ هزار روبل، بلکه ۶۹۵ هزار روبل بود.

موضوع از این قرار است که اشکال این روش، این نیست که خرید ضروری‌ترین وسایل در آن قید شده است، بلکه اشکال در ساختار خرج خانواده‌های فقیر در زمان حاضر است. این ساختار با سالهای ۱۹۹۱-۱۹۹۲ کاملاً فرق دارد. در آن زمان، گروه کم‌درآمد ساکنان، بنابه آمار تحقیقات انجام شده، ۶۸/۳ درصد بودجه خانواده را صرف تهیه مواد غذایی، محصولات صنعتی - ۱۹/۱ و خدمات، از جمله وسایل نقلیه، ۷/۴، مالیات - ۵/۲ درصد می‌کردند. براساس چنین محاسباتی ساختار برای حداقل زندگی تشکیل یافته بود. اما طی پنج سال گذشته، کرایه خانه و هزینه ایاب‌ذهاب و غیره سیر صعودی پیموده است و امروزه، سهم هزینه خدمات، مالیات و محصولات صنعتی را باید افزایش داد. فهرست بودجه خانواده‌های ساکنان کم‌درآمد بنابه حساب متخصصان باید این‌طور باشد:

هزینه مواد غذایی - ۵۸/۹ درصد

محصولات صنعتی - ۲۳/۳ درصد

خدمات - ۱۰/۵ درصد

مالیات و دیگر پرداختهای ضروری - ۷/۳ درصد

اگر این مدل مورد استفاده قرار گیرد، این‌طور می‌شود که حد متوسط حداقل زندگی در روسیه در یک ماه شامل ۴۳۲ هزار روبل بود که البته با چنین پولی فقط می‌توان به سختی سروته خرج را به هم آورد. به این ترتیب، چنین نتیجه‌ای حاصل می‌شود که امروزه نه ۳۰ میلیون نفر در سطح فقر در روسیه زندگی می‌کنند، بلکه ۴۰ میلیون نفر. البته مهم ۳۰ و یا ۴۰ میلیون نیست، بلکه دانستن واقعیت اهمیت دارد. باید حقیقت را گفت و شنید.

با استفاده از تحقیقی از روزنامه تروود